

## بررسی مبانی حمایت کیفی از میراث فرهنگی در ایران و افغانستان

عزیزالله رضایی \*

### چکیده

میراث فرهنگی سند هویت ملت‌ها و بشر مکلف به حفظ و نگهداری آن‌ها است. عوامل مختلفی، همانند عوامل طبیعی نظیر؛ سیل، زلزله، باد، باران و عوامل انسانی نظیر؛ دشمنی‌ها و توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی به منظور به غارت بردن آثار فرهنگی و بی‌هویت نمودن ملت‌ها، میراث فرهنگی را تهدید می‌نماید. براین اساس حمایت از میراث فرهنگی مهم و ضروری است. به این ترتیب با توجه به این‌که تعریف دقیق و قلمرو میراث فرهنگی در قوانین ملی و بین‌المللی روشن و مشخص نیست و از طرفی عدم توجه نسبت به مبانی حمایت از میراث فرهنگی به‌عنوان هویت بشری و ملی، نوشتار حاضر، به منظور رفع ابهامات و کاستی‌ها، به روش تحلیل و توصیف محتوا پرداخته و اطلاعات لازم به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای، جمع‌آوری نموده است و ضمن تبیین قلمرو و مبانی حمایت کیفی از میراث فرهنگی هشدار داده است که نباید به کسی اجازه داد تا با سوء استفاده از ابهامات و یا توسل به کم‌اهمیت جلوه دادن میراث فرهنگی نسبت به آن تعدی نماید.

**کلیدواژه‌ها:** میراث، میراث فرهنگی، حمایت کیفی، هویت ملی، حقوق، ایران، افغانستان

## مقدمه

شاهکاری‌های تاریخی بازگوکننده، پیام معنوی گذشتگان و نشان‌گر خط سیر و حرکت انسان در طول تاریخ بوده و شاهد زنده و گویایی از سنن باستانی در عصر حاضر هستند و هر روز که می‌گذرد بشریت بیش از پیش به ارزش‌های این آثار پی می‌برد. تا جایی که می‌توان گفت: امروزه آثار تاریخی به‌عنوان میراث باقی‌مانده از گذشتگان و سند هویت‌های هر ملت و یا قومی تلقی شده که بشر خود را مکلف به حفظ و نگهداری از آن‌ها می‌داند.

روشن است که عوامل مختلفی میراث فرهنگی را تهدید می‌نماید که از جمله مهم‌ترین این عوامل، عوامل طبیعی نظیر؛ سیل، زلزله، باد، باران و عوامل انسانی نظیر؛ کینه و دشمنی، توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی، به منظور به غارت بردن این آثار و بی‌هویت نمودن ملت‌ها است. لذا ملاحظه می‌شود که ضرورت حفظ و نگهداری و حمایت از این آثار ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد، ولی بعد حمایت حقوقی و قانونی از این آثار اهمیتی به مراتب بیشتر از سایر ابعاد دارد. در زمینه حمایت جزایی از یک اثر غیر تاریخی فرهنگی، حداکثر موجب ورود خسارت و ضرر به فرد یا افراد معینی می‌شود که به سادگی حتی به وسیله ضمانت اجراهای حقوقی (مدنی) قابل جبران می‌باشند، لیکن صدمه و خسارتی که به یک اثر تاریخی وارد می‌گردد غیر قابل جبران و همیشگی خواهد بود. علاوه بر آن، خسارت وارده نه به یک فرد بلکه به یک جامعه و عموم افراد آن جامعه و حتی به بشریت، چه نسل حاضر و چه نسل آینده وارد می‌گردد. از این رو، حقوق کیفری بازدارنده بسیار مؤثری برای حفظ این آثار و پیش‌گیری از ارتکاب جرم علیه آن خواهد بود. لذا در این مقاله، موضوع یاد شده به صورت تطبیقی در حقوق ایران و افغانستان بررسی می‌گردد و به هدف یافتن تصویر روشن از میراث فرهنگی و مبانی حفظ و حمایت کیفری از آن، در دو نظام حقوقی یاد شده جهت شناسایی موارد مشترک و تمایزهای آن مقایسه و تحلیل شده است.

## الف: مفاهیم

یکی از جهاتی که برای بحث علمی و تحقیقی از اهمیت خاصی برخوردار است بحث مفاهیم و پیشینه موضوع مورد تحقیق است. به همین منظور در این بخش به این مباحث مهم اشاره می‌شود.

## مبانی

مبانی در لغت جمع مبنی به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۵۲: ج ۴۳/ص ۲۱۴) این واژه در لغت با کلمات همچون اصل، قاعده، ضابطه مترادف دانسته شده است. به نظر می‌رسد کلمه مبانی به تدریج در استعمال محققان علوم به حوزه پیش‌فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و حتی بر دلایل اثبات یک نظریه اطلاق شده است؛ نمونه آن اطلاق مبانی بر علوم هم‌چون فقه، حقوق، جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیای سیاسی است که شامل دلائل، مفاهیم اساسی و اصول کلی آن دانش و گاه با توسعه‌ای شامل اصول موضوعه کلامی و فلسفه‌های آن‌ها می‌گردد؛ مثلاً مبانی فلسفی

یا کلامی فقه یا مبانی اخلاقی حقوق در کتاب مبانی حقوق عمومی چنین آمده: «واژه مبنا اندکی گسترده‌تر از معنای فلسفی آن به کار رفته‌است؛ یعنی، تنها بیان کننده دلیل الزام‌ها و منشاء پنهانی تکالیف حقوقی نیست، بلکه به ستون‌های اصلی حقوق عمومی نیز می‌پردازد و در توضیح قلمرو و حاکمیت در آن نمودهای خارجی می‌کوشد» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۹)

برخی حقوق‌دانان مبانی را دلایل حقوقی و جستجوی دلایل نظری قواعد حقوقی معنا کرده‌است. در این تعریف مبنا صرفاً به دلایل نظری یک قاعده یا علم توجه دارد. در مقابل، برخی از محققان این کلمه را به تبیین در مورد ماهیت پدیده‌های مورد نظر منحصر کرده‌اند. (شایان مهر، ۱۳۷۹: ج ۲، ۵۲۳) مراد از اصطلاح مبنا در این نوشتار نیز دلایل جواز و مشروعیت حمایت کیفری از میراث فرهنگی می‌باشد.

### میراث فرهنگی

میراث فرهنگی برگردان فارسی از (Cultural Heritage) است که در تمایز با جنس دیگری از میراث که به آن میراث طبیعی (Natural Heritage) گفته می‌شود، است. تعریف جامع از میراث فرهنگی به دلیل تعریف متفاوت و مختلف از فرهنگ که حدوداً به ۲۰۰ تعریف می‌رسد دشوار است. به همین دلیل تعاریف گوناگون از میراث فرهنگی شده‌است. فرهنگ لاروس از اثر تاریخ این‌گونه تعریف ارائه داده‌است: «اثر تاریخی به بنا و یا اشیاء منقول اطلاق می‌شود که به یک اجتماع یا فرد مخصوصی تعلق داشته و به خاطر ارزش تاریخی و هنری آن به دنبال یک طبقه‌بندی اداری، جهت تأمین حفاظت تحت نظام قانونی قرار گیرد» (نقدی‌نژاد و نارویی، ۱۳۹۰: ص ۴۴)

#### ۱-۲. میراث فرهنگی در کنوانسیون یونسکو

در ماده یک کنوانسیون یونسکو، برای حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان چنین آمده‌است: «به لحاظ کنوانسیون حاضر، آنچه ذیلاً ذکر می‌گردد میراث فرهنگی تلقی می‌شود: ۱- آثار معماری، مجسمه‌سازی یا نقاشی در بناها، عوامل و بناهایی که جنبه باستانی دارند، کتیبه‌ها، غارها و مجموع عواملی که از نظر تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند؛ ۲- مجموعه بناهای مجزا یا مجتمع که از نظر معماری، منحصر به فرد باشند، یا بستگی و موقعیت آن‌ها در یک منظره طبیعی، به لحاظ تاریخی، هنری دارای ارزش جهانی استثنایی هستند؛ ۳- محوطه‌ها: دست‌ساخته‌های انسان یا آثاری که توأم با وسیله انسان و طبیعت ایجاد شده‌است و نیز مناطق شامل محوطه‌های باستانی که به لحاظ تاریخی، زیبایی‌شناسی، بوم‌شناسی، دارای ارزش منحصر به فرد جهانی هستند». همان‌طوری که ملاحظه می‌شود این تعریف مبتنی بر بیان مصادیق از میراث فرهنگی است. به نظر برخی از استادان حقوق، آثار تاریخی، اشیاء و ابنیه‌ای هستند که به علت گذشت زمان طولانی بر آن‌ها، یک قوم به آن‌ها علاقه تاریخی پیدا کرده باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ص ۵)

## ۲-۲. میراث فرهنگی در قوانین جمهوری اسلامی ایران

در قوانین جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱ قانون اساسی نام سازمان میراث فرهنگی کشور ایران مصوب ۱۳۶۷ چنین تعریف شده است: «میراث فرهنگی شامل آثار باقی مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ هست و با شناسایی آن زمینه شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می‌گردد و از این طریق زمینه‌های عبرت برای انسان فراهم می‌آید؛ بنابراین هر بنا، محوطه، سنگ نوشته، مجموعه بناها، بافت‌های تاریخی و به‌طور کلی هر شیء مادی (ملموس) یا موضوع و پدیده غیرمادی (غیرملموس) که بیانگر بخشی از حیات اجتماعی فرهنگی بشر در طول تاریخ در سرزمین ایران است یا هر نمادی که هنر، خلاقیت‌ها، سیرتکوین تحولات تاریخی حیات فرهنگی اجتماعی انسان در ادوار تاریخی را بیان می‌نماید، می‌تواند «اثر» نامیده شده و بخشی از میراث فرهنگی کشور تلقی می‌شود» (صمدی، ۱۳۸۲: ج ۱ / ۱۳۱) اما قانون مدنی ایران راجع به مصادیقی از آن احکامی را وضع کرده که از نخستین قوانین ناظر به این موضوع در ایران محسوب می‌شود. قانون مدنی نخستین بار در ایران از عبارت (آثار تاریخی) استفاده کرده و در فصل سوم احکامی را در خصوص این مورد وضع کرده است. هم‌چنین مواد ۱۷۳ الی ۱۷۸ از قانون مدنی به دفاینه (کشف اموال فرهنگی تاریخی) اختصاص یافته است. قانون مدنی در ماده ۲۵ برخی از مصادیق میراث فرهنگی بیان کرده است: ۱- مشترکات عمومی؛ اموالی که تعلق به همه افراد جامعه دارد و استفاده از آن اموال در حدود قوانین ناظر به این موضوع میسر است. هیچ‌کس نمی‌تواند از این قبیل اموال تصرفی کند که مانع از استفاده دیگران شود. ۲- مباحات؛ اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و همه افراد جامعه می‌توانند مطابق قوانین ناظر به موضوع مربوطه آن‌ها را تملک نمایند مانند اراضی موات؛ ۳- اموال مجهول‌المالک؛ اموالی که پیش‌تر در ملکی فرد یا افراد خاصی بوده و اعراض مالک از آن مسلم نیست و امکان شناسایی مال هم وجود ندارد. این سه مورد اموالی بودند که مال خاص نداشته و قانون مدنی مصادیقی از آنچه را که امروز میراث فرهنگی نامیده می‌شود ذیل این عنوان بیان نموده است. (نصیری‌زاده، عبداللهی و سایبانی، ۱۳۸۸: ش ۴ / ۴۸)

ماده ۲۵ قانون مدنی ایران مصادیق بارز میراث فرهنگی غیر منقول از جمله کاروان‌سراها، آب‌انبارها، مدارس قدیمی، میدان‌های عمومی، پل‌ها را از جمله مشترکات عمومی می‌داند و در صورتی که مالک خاص نداشته باشد، تملک افراد نسب به آن‌ها را غیر قانونی می‌داند. با توجه به این که پل‌ها، کاروان‌سراها و آب‌انبارهای عمومی تاریخی امروز تحت عنوان میراث فرهنگی مورد استفاده عموم قرار دارند، لذا حکم قانون مدنی در عدم امکان تملک و استفاده انحصاری از این قبیل اماکن به قوت خود باقی است. قانون‌گذار در ماده ۲۵ قانون مدنی همه موارد را احصا نکرده است و با ذکر عبارت (از قبیل) تعمیم حکم به موارد مشابه را نیز در نظر داشته است.

### ۲-۳. میراث فرهنگی در قوانین افغانستان

قوانین افغانستان نیز تعاریفی از میراث فرهنگی ارائه نموده است. در قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی چنین آمده است. «آثار تاریخی و فرهنگی در این قانون عبارت است از: ۱- کلیه محصول کار بشر منقول و یا غیر منقول که از نظر تاریخی، علمی، هنری و فرهنگی دارای ارزش برجسته و جامع بوده حداقل قدمت صدساله داشته باشد. ۲- آثار که کم‌تر از صدسال عمر داشته باشد ولی از نظر ارزش علمی، هنری و فرهنگی قابل نگهداشت شناخته شود».

در قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی، در ماده سوم تدویر نمایش آثار تاریخی منقول چنین آمده: «تمام آثار و اشیای فرهنگی منقول که از نظر تاریخی، علمی، مذهبی، هنری و فرهنگی دارای ارزش برجسته و استثنایی باشند، مطابق احکام این مقرر به نمایش گذاشته شده می‌تواند. آثار و اشیای تاریخی - فرهنگی منقول عبارتند از: ۱- آثار و اشیای عتیقه، سکه‌های تاریخی، آثار رسامی و نقاشی، نسخ خطی، کتیبه‌ها و آثار هنری غیر ملموس که در نوارهای سمعی و بصری ثبت شده باشد. ۲- پارچه‌ها و اشیایی که از منقوشه‌ها، مغاره‌ها، عمارات تاریخی و آبدات فرهنگی جدا و به حالت منقول درآمده باشد. ۳- پارچه‌ها، آثار و اشیای علمی، مذهبی، هنری، صنایع دستی و ادبی منحصر به فرد».

به نظر می‌رسد تعریفی که قانون حفظ آثار تاریخی - فرهنگی کشور افغانستان ارائه داده است، در مقایسه با تعریفی که قانون اساسنامه میراث فرهنگی ایران ارائه شده، عینی‌تر است، ولی تعریف مذکور در اساسنامه میراث فرهنگی ایران در نوع خود عالی، ایده آل و حاوی پیام بسیار مهم است زیرا در اسلام تأکید به عبرت‌آموزی و ساختن زندگی معنوی و آرامش برای فرد و جامعه و رسیدن به سعادت واقعی که گمشده بشر امروز است هست. لذا این تعریف در صدد القای این مفهوم مقدس و ارزشی هست. از طرفی این تعریف کمی کلی به نظر می‌رسد که می‌تواند همه چیز را در برگیرد این امر موجب ابهام در تعریف می‌شود طبق این تعریف هرچیز که زمینه‌های شناخت هویت و عبرت‌آموزی را فراهم کند داخل در این تعریف قرار می‌گیرد.

### تاریخ

تاریخ مفهومی انتزاعی است که حداقل دو معنا از آن استفاده می‌شود: گاه ناظر به وقایع گذشته و گاه معطوف به مطالعه و بررسی وقایع است؛ بنابراین، هم به علم تاریخ و هم به موضوع آن، تاریخ گفته می‌شود. برای تفکیک این دو مقوله، اصطلاحاً تاریخ را تاریخ<sup>(۱)</sup> و علم تاریخ را تاریخ<sup>(۲)</sup> می‌نامند (مفتخری، ۱۳۹۱: ص ۱۳) موضوع علم تاریخ عبارت است از: «مجموعه پدیده‌ها و واقعه‌ها و روابط و فعل و انفعالات و زاد و مرگ حوادث و رشد و افول تمدن‌ها و جامعه‌ها و مجموعه همه رویدادها و پدیده‌های ویژه انسان در رابطه‌اش با «طبیعت» و در رابطه‌اش با «دیگری» در زمان «گذشته»، از بی‌نهایت دور تا به حال است. (شریعتی، ۱۳۸۶: ش ۱۱، ص ۸۱)

## **ب: پیشینه‌ی حمایت کیفری از میراث فرهنگی**

همه کشورها برای حفظ آثار تاریخی خود به دلیل اهمیت میراث فرهنگی به وضع قوانین در جهت حمایت از آثار تاریخی پرداخته‌اند، کشورهای ایران و افغانستان نیز از این قاعده مستثنا نیست.

### **۱) پیشینه‌ی حمایت کیفری در ایران**

ایران همانند بسیار از کشورهای پیش‌رو در امر حفاظت از آثار تاریخی به وضع قوانینی در جهت حفظ آثار تاریخی خود مبادرت نموده است.

#### **۱-۱. قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش**

تا سال ۱۲۹۳ش، قانونی مدون که قابل استناد باشد دیده نمی‌شود، در سال ۱۲۹۳ش، بنا به پیشنهاد نصرت الدوله به وزیر عدلیه خود، قانون جزای عرفی به تصویب هیئت وزرا رسید؛ و در ماده ۲۱۹ این قانون تخریب آثار و ابنیه را جرم اعلام و مرتکب آن را مستحق مجازات حبس از سی و یک روز الی دو سال و به علاوه شش روز الی یک ماه حبس قابل خرید دانست هرچند که در این قانون اشاره خاصی به اماکن مذهبی و تاریخی نشده بود ولی همین‌که اولین حمایت از آثار و ابنیه در برابر تخریب صورت پذیرفته بود. (نگهبان، ۱۳۸۵: ص ۴۴)

در زمینه جرائم علیه میراث فرهنگی، اولین قانونی که به تصویب رسید، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بود که تنها به جرم تخریب آثار تاریخی - فرهنگی پرداخته بود و به سایر جرائم ارتكابی در قلمروی میراث فرهنگی اشاره‌ای نکرده بود؛ بنابراین قانون فوق از جامعیت قابل توجهی برخوردار نبود و به حمایت کیفری از سایر جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی نپرداخته بود؛ لذا دادرسان در مقام رسیدگی با خلاء روبرو می‌شدند (نقدی‌نژاد و نارویی، پیشین: ص ۵۳)

#### **۱-۲. بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش**

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل شرایط ویژه آن دوران در روزهای اولیه، بعضاً تخریب‌هایی در مورد آثار فرهنگی صورت گرفته بود از اولین اقدامات در ارتباط با حفظ میراث فرهنگی در روزهای اولیه انقلاب، اعلامیه مرحوم آیت الله طالقانی بود مبنی بر این‌که اشیاء و کاخ‌های تاریخی به ملت تعلق دارد و نباید آن‌ها را تخریب کرد. (حجت، ۱۳۸۰: ص ۲۷۸) سه ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین موضع‌گیری رسمی دولت نسبت به میراث فرهنگی صورت گرفت لایحه‌ای تحت عنوان (جلوگیری از انجام حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیاء عتیقه و آثار تاریخی که بر اساس ضوابط بین‌المللی مدت یک صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد) به تصویب رسانید. این لایحه مشتمل بر یک ماده واحد بوده و همان‌طوری که از نام این لایحه برمی‌آید، صرفاً ناظر بر حفاری‌های غیرمجاز هست. این لایحه نه تنها از نظر حقوقی، حائز اهمیت فراوان است، بلکه دیدگاه مسئولان انقلاب اسلامی را نسبت به میراث فرهنگی نشان می‌دهد. و مهم‌ترین مزیت این قانون این است که در بند ۳ تعریفی از اشیاء عتیقه

ارائه نموده است «منظور از اشیاء عتیقه اشیایی است که بر طبق ضوابط بین‌المللی یک صدسال یا بیش‌تر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد» (فتاحی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۳)

در سال ۱۳۶۱ بر اساس تصمیم هیئت دولت، قرار شد که آن بخش از فعالیت‌هایی که عمدتاً مربوط به وزارت فرهنگ و هنر سابق بود به وزارتخانه تازه تأسیس به نام ارشاد اسلامی ملحق گردد و بدین ترتیب ادارات میراث فرهنگی در سراسر کشور به وزارت ارشاد منتقل شد. از دیگر قوانین مهم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان به قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ اشاره کرد که در دو ماده ۴۶ و ۴۷ اشکال متنوع جرائم ارتكابی مرتبط با آثار فرهنگی تاریخی را بیان نموده است. در سال ۱۳۶۹ نیز قانون مجازات اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور ایران به تصویب مجلس رسید که مشتمل بر ۲ ماده و هشت تبصره بود. بند (د) ماده ۱ قانون فوق، هرگونه اقدامی به منظور خارج کردن میراث فرهنگی از کشور را قاچاق اعلام و مجازات صدور غیرقانونی اشیاء عتیقه از کشور را تا حد بسیار زیادی تشدید نمود. با توجه به آزمایشی بودن قانون تعزیرات سال ۶۲ و پس از گذشت هشت سال از مدت اجرای آزمایشی قانون بالاخره در خردادماه (جوزا) سال ۱۳۷۵ قانون تعزیرات تحت عنوان کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مبحث تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به تصویب رسید. در این قانون برای اولین بار به اموال تاریخی و فرهنگی توجه خاصی مبذول گردید و در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی فصل نهم تحت عنوان تخریب اموال تاریخی و فرهنگی تعدی‌های به این اموال از قبیل تخریب، سرقت، قاچاق، تعمیر، تغییر و غیره را مورد توجه قرار داده است (نقدی‌نژاد و نارویی، پیشین: ص ۵۷ و ۵۸)

## ۲) پیشینه‌ی حمایت کیفری از میراث فرهنگی در افغانستان

زنده نگهداشتن و تداوم تاریخی و فرهنگی و همچنین احساس مسئولیت مردم در برابر وحدت ملی در جهت اطمینان از پیشرفت، امید به آینده بهتر، محیط تحمل‌پذیری، حاکمیت ملی و ثبات، میراث فرهنگی می‌تواند به‌عنوان عامل وحدت‌بخش نقش مؤثری در جهت از سرگیری ارتباطات، ایجاد هویت مشترک و طرح‌ریزی آینده جدید، دارد. در این گفتار لارم است اشاره مختصر به تاریخچه حمایت قانونی از آثار تاریخی - فرهنگی کشور شود.

### ۱-۲. قبل از دولت انتقالی ۲۰۰۱م

پیشینه‌ی فعالیت‌های باستان‌شناسی در افغانستان به سال ۱۸۳۳م، باز می‌گردد، موزیم (موزه) ملی افغانستان در سال ۱۹۱۸م (۱۲۹۷ش) در منطقه باغ بالای کابل تأسیس شد. در ابتدایی تأسیس این موزیم (موزه) که در آن دوران «عجایب‌خانه» می‌گفتند، فقط بعضی از آثار تاریخی مثل قرآن‌های خطی، صنایع دستی، آثار برجای مانده از جنگ‌های دوران استقلال و برخی کتاب‌های کمیاب در آن نگهداری می‌شد. این موزیم در ۱۵ نوامبر ۱۹۲۴م (۲۵ عقرب/آبان ۱۳۰۳ش)، از باغ بالا به ارگ (کاخ) منتقل شد و به شکل رسمی توسط امان‌الله شاه افتتاح شد.

در اولین قانون اساسی افغانستان که در زمان امان‌الله خان به تصویب رسید، یک ماده بلند و نسبتاً طولانی به اکتشاف و حفظ آثار تاریخی و ایجاد آن، محلی برای نگهداری آثار تاریخی کشور اختصاص داده شد. به موجب این قانون، مقرر شد که شعبه «حفریات و موزیم» زیر نظر وزارت معارف فعالیت کند. از مهم‌ترین کارهای این شعبه، کشف و حراست از آثار تاریخی و انتقال آن‌ها به موزیم ملی بود. (همان) در طول سه دهه جنگ‌های داخلی در افغانستان کاوش‌های باستان‌شناسی نیز متوقف گردید.

## ۲-۲. بعد از دولت انتقالی ۲۰۰۱

کنفرانس بُن سال ۲۰۰۱م، یک کنفرانس نهادساز برای افغانستان بود. در متن موافقت‌نامه کنفرانس بُن به این توجه شده بود که با ایجاد ساختارهای اساسی برای افغانستان، زمینه برای ایجاد و شکل‌گیری دولت قوی و فراگیر ایجاد شود و از این طریق ثبات سیاسی در افغانستان به وجود بیاید. برای رسیدن به حاکمیت قانون، دولت انتقالی موظف شده بود تا لویه جرگه تصویب قانون اساسی را دایر کرده و قانون اساسی جدیدی را برای افغانستان به تصویب برساند. قانون اساسی جدید در لویه جرگه قانون اساسی که در ماه‌های قوس (دی) و جدی (بهمن) ۱۳۸۲ برگزار شد و به تصویب رسید. (دویچه وله در، ۱۳۹۰)

ماده نهم قانون اساسی جدید به حفظ و حراست میراث فرهنگی اشاره دارد در این ماده چنین آمده است: «معادن و سایر منابع زیرزمینی و آثار باستانی به ملکیت دولت می‌باشند. حفاظت و اداره املاک دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می‌گردد» بر اساس ماده مذکور قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان مشتمل به نه فصل و هشتاد پنج ماده، در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۴ به تصویب هیئت وزیران رسیده است. این قانون نسبتاً جامعی است سرپرستی همه مؤسسات مربوط به حفظ و کاوش آثار تاریخی به عهده وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور هست. بر اساس ماده ۸ این قانون همه میراث (آثار) تاریخی منقول و غیرمنقول کشف شده یا زیرزمین پنهان باشد در ملکیت دولت است، طبق ماده ۷ قانون مذکور هیچ شخص حقیقی و حقوقی در مناطق که ثبت شده باستان‌شناسی است، بدون اخذ مجوز از انستیتویوت باستان‌شناسی نمی‌تواند به عملیات کاوش یا اعمار ساختمان اقدام نماید (قانون حفظ آثار تاریخی - فرهنگی). از دیگر قوانین بعد از دولت انتقالی مقرر تدویر نمایشگاه‌های آثار تاریخی - فرهنگی است که در پنج فصل و ۲۲ ماده در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۶، به تصویب هیئت وزیران رسیده، در ماده سوم این مقرر تعریف نسبتاً خوبی از آثار تاریخی منقول ارائه داده است.

## ج: مبانی حمایت کیفری از میراث فرهنگی

میراث فرهنگی به عنوان بخشی اصلی هویت و شکوفایی فرهنگی و به عنوان میراث متعلق به تمام بشریت، به هر نقطه از جهان هویت خاصی می‌بخشد و مخزن تجربیات بشری است. از این رو حفظ و ارائه میراث فرهنگی زیربنای هر سیاست فرهنگی است. میراث فرهنگی نشانگر تمدن گذشته یک کشور بوده و عاملی جهت حفظ بهتر فرهنگ و در جهت بهتر مطرح شدن فرهنگ هر کشور در جهان امروز است. به



علاوه میراث فرهنگی با جذب گردشگری خارجی منبع فراوان برای کسب درآمد ارزی، اقتصادی در جهان کنونی مورد توجه است.

## ۱) مبانی بین‌المللی حمایت از میراث فرهنگی

میراث فرهنگی به دلیل اهمیت و نقش آن در گسترش و شناساندن ملتی به ملت دیگر و فراهم آوری زمینه‌ی شناخت بین ملت‌ها، در توسعه و سیر تکامل فرهنگی بشری در سطح بین‌المللی نقش مؤثر و غیر قابل اغماض آن، موجب شده که جامعه بین‌المللی برای حفاظت از میراث فرهنگی اقداماتی را انجام دهد، چون حفاظت از میراث فرهنگی در ایجاد همبستگی بین ملت‌ها که از ضروریات عصر ما است مؤثر بوده و به عوامل گوناگون نظیر جنگ، سیل و...، به خطر افتاده است. به همین منظور، در سال ۱۹۷۲ جهت همکاری بین‌المللی در سطح جهانی، کنوانسیون حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی به وجود آمد که نقطه عطف در جهت حفظ آن به شمار می‌رود.

### ۱-۱. حفظ هویت جامعه بشری

بشر با تاریخ چندین و چند هزار ساله خود و این سیر زمانی گنجینه پر بهای در جهت قوام هویت بشری است. این سیر تکاملی بشر در هویت بخشی، عبرت و پندآموزی، چنانکه در ماده یک اساسنامه میراث فرهنگی ایران به آن اشاره شده است، می‌تواند مبنای حفاظت از میراث فرهنگی در سطح بین‌المللی قرار گیرد. کنفرانس عمومی سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) منعقد در پاریس، به این امر تأکید دارد که میراث فرهنگی نه تنها بر اثر عوامل عادی تخریب، بلکه به علت تحول زندگی اجتماعی و اقتصادی با پدیده‌های زیان‌بار و مخرب در معرض تهدید قرار می‌گیرند. «با ویرانی و از بین رفتن هر بخش از میراث فرهنگی و طبیعی موجب فقر شدید میراث همه ملل جهان می‌گردد». با توجه به این که حمایت از آن ضروری است و از طرفی حمایت از میراث فرهنگی در سطح ملی غالباً به دلیل کم بود منابع اقتصادی، علمی و فنی برخی کشورها که اموال مذکور در قلمرو آن قرار دارد کافی نیست. جامعه بین‌الملل برای حمایت مؤثر از میراث فرهنگی و طبیعی دارای ارزش جهانی استثنایی به عنوان میراث جهانی بشریت اقدام نماید (دبیری، لقایی و شیرازیان، ۱۳۷۴: ص ۲۸۳).

بنابراین؛ با نابودی هر بخش میراث فرهنگی موجب تزلزل هویت بشری و جدا شدن از گذشته خود که در تکامل و پندآموزی و حفظ هویت انسان‌ها نقش مؤثر و بی‌بدیلی دارد، می‌شود. به همین دلیل تلاش‌های در سطح بین‌المللی در جهت حفظ این امر مهم بعد از درک واقعیات موجود در میراث فرهنگی، صورت می‌پذیرند. بدون شک حفظ هویت جامعه بشری، مبنای این اقدامات را تشکیل می‌دهد.

### ۱-۲. حفظ همبستگی ملل

با توجه به این که هر عملیات در طول زندگی بشر علاوه به نمایش درآوردن سنن و آداب گذشتگان و ارتباط بین حال و گذشته بشریت، مخزن از تجربیات بشری در جهت تعامل سازنده ملل و انسان‌ها با

همدیگر است، با نابودی میراث فرهنگی موجب بی‌رنگ و بی‌پشتوانه شدن این تعاملات در سطح ملی و بین‌المللی می‌شود. لذا برای حفظ همبستگی پویایی جامعه بشری، جامعه بین‌المللی ناگزیر به حفظ قاطع از میراث فرهنگی است. اعلامیه بین‌المللی سال ۱۹۶۶ در مورد حقوق سیاسی و مدنی و حقوق فرهنگی و اجتماعی، با یادآوری تأکید یونسکو در مقدمه اساسنامه آن، مبنی بر این که «ترویج فرهنگ در سطوح گسترده» و آموزش انسان‌ها در جهت نیل به عدالت و آزادی و صلح در دستیابی به کرامت انسانی دارای اهمیت بوده و از اجزای جدای ناپذیر هستند. (کمسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۰) لذا دستیابی به «ترویج فرهنگ در سطح گسترده» مستلزم مراقبت و حفاظت بین‌المللی از داشته‌های فرهنگی که اوج آن در میراث فرهنگی است، می‌باشد. زیرا میراث فرهنگی به دلیل به نمایش درآوردن فرهنگ و دارای زبان عمومی نقش مؤثری در جهت تحقق رسالت فوق دارد.

## ۲) مبانی داخلی حمایت از میراث فرهنگی

در بعد داخلی آثار تاریخی نیز در جهت هویت بخشی ملی، اعتبار دهی به تاریخ، فرهنگ و نشانه اصالت و گذشته پرافتخار یک ملت بوده و موجب تعامل و شناساندن یک کشور به دیگر کشورها و سطح بین‌المللی، می‌شود. این امر مبنای مهم در جهت حفظ آثار تاریخی و فرهنگی کشورها است.

### ۲-۱. حفظ هویت ملی

هویت واقعی یک ملت به فرهنگ آن کشور و ملت است نمونه بارز آن میراث فرهنگی کشورها است، حفظ هویت ملی یک کشور بستگی به حفظ فرهنگ و گسترش آن در بین مردم بوده و اهتمام به مراقبت از میراث فرهنگی در واقع حفاظت از هویت و اصالت ملی و اعتبار دادن در سطح بین‌المللی است در ماده ۱ اساسنامه میراث فرهنگی ایران چنین آمده است: «میراث فرهنگی شامل آثار باقیمانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می‌باشد.

### ۲-۲. حفظ همبستگی ملی

در حفظ همبستگی ملی، میراث فرهنگی به عنوان نشانگر تعاملات گذشتگان با اخذ پند و عبرت و الگوگیری (بخش‌های برجسته) از حوادث متنوعی گذر زمان به آن رفته، کاملاً واجد عوامل تحقق آن است. زیرا با وجود میراث فرهنگی با حیثیت برجسته و ارزش ملی بین‌المللی مردمان آن کشور احساس همبستگی نموده و موجب خلق هویت جمعی برای همه افراد داخل یک کشور می‌شود. این در حالی است که حفظ همبستگی یک کشور امروز به دلیل شکسته شد مرز ارتباطات و گسترش فوق تصور ارتباطات از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. لذا یک از عوامل مهم برای ارتقای هم بستگی و همدلی فعالیت‌های فرهنگی برجسته نمودن وجه مشترکات یک جامعه است. لذا حفاظت میراث فرهنگی به نوعی قلب فعالیت فرهنگی کشور به شمار می‌رود. این مطلب به خوبی در ماده ۱ اساسنامه میراث فرهنگی ایران منعکس شده است، ماده مذکور با عبارت «نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می‌باشد و با شناسایی آن زمینه شناخت هویت

و خط حرکت فرهنگی» به این امر تأکید نموده است. چون با شناخت هویت و اصالت خود است که تعلق و وابستگی به همدیگر تقویت می‌شود.

### ۲-۳. حفظ حقوق عمومی

با توجه به اهمیت و نقش بسزایی که میراث تاریخی، فرهنگی، در امور مذهب، تاریخ، اقتصاد و فرهنگ کشورها دارد و از آنجائی که سرزمین ایران و افغانستان با سابقه دیرینه خود، سرشار از آثار فرهنگی، تاریخی است، اما ناآگاهی مردم به خصوص در کشور افغانستان در مورد اهمیت و ارزش معنوی میراث فرهنگی، به عنوان سند هویت و گنجینه ملی، سودآور بودن شگفت‌انگیز تجارت آثار تاریخی، فرهنگی، فقر اقتصادی مردم و میل شدید آنها به گنج‌یابی سرنوشت این آثار به خطر روبرو کرده است. آثار تاریخی از جهات گوناگون واجد اهمیت بود که وجه حقوق عمومی بودن آنها را می‌رساند. بنابراین آثار فرهنگی از جهات ذیل حائز اهمیت است:

۱- اهمیت فرهنگی، از منظر فرهنگی، آثار تاریخی به دلیل این که بازگو کننده پیام معنوی بشر است در طول تاریخ با وجود تحدیدات مداوم شاهد زنده و گویای سنت و آداب رسوم باستانی در زندگی امروزی و در دنیای کنونی بشریت می‌تواند باشد. به اضافه آن آثار تاریخی و فرهنگی می‌تواند نشانه و بیانگری قدمت و اصالت تمدن بشر امروزی در بستر تاریخ و سند محکم و گویا در جهت اثبات هویت و اصالت ملی هر ملتی و قومی می‌باشد. (نقدی‌نژاد و نارویی، ۱۳۹۰: ص ۱۰)

۱- اهمیت مذهبی، میراث فرهنگی از نگاه دینی بدلیل وجود نکات عبرت‌آموزی و درس گرفتن از گذشتگان برای تقویت ایمان و خداپرستی در جهت خودسازی و تقویت تقوی حائز اهمیت فروان هست. چون آثار به جای مانده از گذشتگان که دوران طولانی را با انواع اتفاقات (خوب و بد) در زمان خود گذرانده است، وسیله و منبع ارزشمند، آموزنده و قابل ملاحظه برای درس گرفتن از پیشینیان هست. قرآن کریم در آیات مختلف به طور مستقیم غیر مستقیم انسان را به موضوع عبرت‌آموزی و درس گرفتن از آن ترغیب می‌نماید. (آل عمران/۱۲۷، محمد/۱۰ و ق/۳۶ و ۳۷). امام علی (ع) در ضمن وصایایی که به فرزندان خود می‌نماید به نقش تأثیرگذار تاریخ، اهمیت تاریخ و آثار تاریخی- فرهنگی و درس که می‌توان از آن گرفت اشاره فرموده‌اند که: «فرزندم اگر من در تمام طول تاریخ با گذشتگان زندگی نکرده‌ام ولی اخبار زندگی آنها را با دقت مطالعه کرده‌ام و آثار را که آنها به یادگار مانده بررسی نموده و با این کار، گویی من از نزدیک آنها را دیده‌ام و عمر جاویدان داشته‌ام» (نقدی‌نژاد و نارویی پیشین: ۱۲).

۱- اهمیت اقتصادی، حفظ و نگهداری و تلاش در جهت مرمت و بازسازی آثار تاریخی- فرهنگی از جهت اقتصادی که امروز برای هر کشور بسیار مهم و دارای اولویت اول برخی کشور تلقی می‌شود، حائز اهمیت زیادی باشد. به شکل که امروزه بهترین وسیله برای جلب و جذب گردشگران و جهان گردان خارجی به کشور بر اثر گسترش و توسعه توریسم و در پی آن افزایش کسب درآمد، رشد و رونق بخشیدن

به اقتصاد ملی هست و نیز می‌تواند نمایانگر فرهنگ و تمدن غنی کشور دارنده آثار تاریخی به جهانیان باشد (همان: ۱۰).

## **نتیجه**

مفهوم میراث فرهنگی در حال حاضر شامل آنچه در قوانین نافذ کشورها به عنوان میراث فرهنگی ثبت شده، مواردی را که کارشناسان میراث فرهنگی و آثار تاریخی جزء مصادیق میراث فرهنگی تلقی نموده‌اند و در برخی موارد مرور زمانی طولانی بر یک اثر مهم تلقی شده است و نیز اشیاء که ارزش منحصر به فرد داشته و قدمتی نداشته است، مشمول میراث فرهنگی قلمداد می‌شود. مبانی حمایت کیفری از میراث فرهنگی در بسیار از نوشته‌ها حفظ حقوق عمومی مبنای حمایت از میراث فرهنگی تلقی شده است، ولی مبانی حمایت از میراث فرهنگی فراتر از حفظ حقوق عمومی است بلکه شامل حفظ هویت بشری در سطح بین‌المللی و حفظ هویت ملی در داخل به دلیل این‌که هویت هر ملت ریشه به گذشته و آثار تاریخی آن ملت دارد، چنانکه برخی نویسندگان تعبیر شناسنامه هویت ملی را نسبت به میراث فرهنگی به‌کاربرده‌اند نیز جزء مبانی میراث فرهنگی محسوب می‌گردد. بنابراین مبانی حمایت کیفری از میراث فرهنگی شامل حفظ حقوق عمومی و حفظ هویت بشری و ملی است. جهت حمایت از میراث فرهنگی پیشنهاد می‌شود قلمرو میراث فرهنگی به‌صورت دقیق توسط قانون‌گذار تبیین و برای جلوگیری از سهل‌انگاری احتمالی مبانی حمایت میراث فرهنگی اعلام و اظهار گردد. در این تحقیق جهت کمک برای مسائل فوق مختصراً موضوع مذکور مورد کنکاش قرار گرفته است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. احمدی، بابک، رساله تاریخ (جستاری در هرمنوتیک تاریخ)، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۷.
۴. احمدی، عبدالله، جرم قاچاق، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۵. بن زکریا فارس، احمد، ترتیب مقایس اللغه، قم، موسسه چاپ زیتون، ۱۳۷۸.
۶. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، درآمد بر اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۷. تیموثی، دالن جی، میراث فرهنگی و گردشگری، ترجمه اکبرپور فرج، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۹۴.
۸. جبلی العاملی، زین الدین، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰.
۱۰. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح الغه، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۷۶.
۱۱. حجت، مهدی، میراث فرهنگی در ایران سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.
۱۲. دانش‌نامه فرهنگ، موزه ملی افغانستان، <http://farhangpedia.ir/wiki>، ۷/۱۸، ۱۳۹۶.
۱۳. دبیری، فرهاد، لقابی، شیرازیان، «بررسی کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی»، ۱۳۸۴. مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره شانزدهم شماره ویژه ۹۳.
۱۴. دویچه وله، پس از موافقت‌نامه بُن؛ نگاهی به آنچه گذشت، ۱۳۹۰.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۶. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: عطار، ۱۳۷۹.
۱۷. ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۱۸. شایان مهر، علیرضا، دائره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۷۹.
۱۹. صمدی، یوسف، میراث فرهنگی در حقوق داخلی، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.
۲۰. فتاح، محسن، مؤمنی، امام، «دیدگاه نو در باره مالکیت خصوصی میراث فرهنگی»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱، ۱۳۸۹.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۳. مفتخری، حسین، مبانی علم تاریخ، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۲۴. نصیرزاده، بهناز، عبداللهی، سایبانی، «بررسی حمایت کیفری از اموال فرهنگی در حقوق ایران»، فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، سال پنجم، ۱۳۸۸.
۲۵. نقدی‌نژاد، مجتبی و نارویی، اصغر، جرایم علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل، ۱۳۹۰.
۲۶. والش، ویلیام هنری، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۲۷. ویکی پدیا، تاریخچه فعالیت‌های باستان‌شناسی در افغانستان، تاریخ اخذ مطالب ۱۳۹۶/۷/۱۸.
۲۸. فتاحی، سید حسن، میراث فرهنگی (بررسی فقهی - حقوقی)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.
۳۰. قانون تدویر نمایشگاه‌های آثار تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۳.
۳۱. قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۵۵ - ۱۳۸۲.
۳۲. قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۳.
۳۳. قانون حفظ آثار ملی ایران، مصوب ۱۳۰۹.
۳۴. قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.
۳۵. قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷-۱۳۱۳-۱۳۱۴.